

سوالات آیین دادرسی کیفری

آزمون کارشناسی ارشد ۱۳۹۸ – دفترچه E

سوالات ۲۱۶-۲۳۰

۲۱۶- در حوزه قضایی «الف» دادگاه کیفری یک با سه قاضی تشکیل شده است. متهم نسبت به دو نفر از اعضاء ایراد رد دادرسی را مطرح می‌کند و ایراد، مورد قبول واقع نشده و به این امر اعتراض می‌شود. در صورتی که عضو علی‌البدل دیگری نیز وجود نداشته باشد چه مرجع یا شخصی به این اعتراض رسیدگی می‌کند؟

(۱) دیوان عالی کشور

(۲) قاضی دادگاه کیفری یک که نسبت به او ایراد نشده است.

(۳) نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک به آن حوزه قضایی

(۴) دادگاه تجدیدنظر استان

گزینه ۱ صحیح است به استناد ماده ۴۲۵ ق.آ.د.ک

در دادگاه‌هایی که از روش **تعدد قضات** پیروی می‌شود پس از ایراد رد از سوی یکی از طرفین در مورد یکی از قضات، حسب مورد امکان وقوع دو حالت وجود دارد:

۱- قبول ایراد رد دادرسی ← قاضی از رسیدگی امتناع کرده و دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند.

۲- عدم قبول ایراد رد دادرسی ← همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد رد دادرسی را صادر می‌کند.

◀ ولی اگر اعضای باقی‌مانده در اکثریت نباشند و امکان اعضای علی‌البدل دیگری نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد (صورت سؤال): رسیدگی به ایراد در **دیوان عالی کشور** به عمل می‌آید و سپس اگر شعبه دیوان درخواست رد را وارد بداند، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.

ماده ۴۲۵- در مواردی که دادگاه با **تعدد قاضی** تشکیل می‌شود ← هرگاه نسبت به یکی از اعضاء ایراد رد شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کند. هرگاه ① **تعداد باقی‌مانده اعضای شعبه در اکثریت نباشند (در صورت سؤال گفته نسبت به دو نفر ایراد شده، در نتیجه عضو باقی‌مانده یک قاضی می‌باشد و در اکثریت نیست) و ② امکان انتخاب اعضای علی‌البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد** ← رسیدگی به ایراد در شعبه **دیوان عالی کشور** به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بداند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

۲۱۷- اگر در مورد اتهام واحد فردی، احکام متفاوت و مغایر صادر شده باشد و اعاده دادرسی پذیرفته شود،

مرجع رسیدگی پس از ارجاع پرونده از دیوان عالی کشور، چه اقدامی می‌کند؟

(۱) رأی مؤخر را نقض و رأی مقدم را تأیید می‌کند.

(۲) هر دو رأی توسط دیوان عالی کشور نقض و رسیدگی مجدد در دادگاه مرجوع‌الیه انجام می‌شود.

(۳) می‌تواند هر کدام را تأیید و دیگری را نقض کند و یا هر دو را نقض و مجدداً رسیدگی کند.

(۴) رأی مؤخر را تأیید و رأی مقدم را نقض می‌کند.

گزینه ۳ صحیح است به استناد مواد ۴۷۴ و ۴۸۱ ق.آ.د.ک

سؤال مذکور مصداق بند «ت» ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک یعنی جهات اعاده دادرسی است (بند ت- درباره شخصی به اتهام واحد

احکام متفاوتی صادر شود) که پس از درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور و پذیرش آن با تجویز اعاده دادرسی و

ارجاع امر برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم‌عرض صادرکننده حکم قطعی (ماده ۴۷۶ ق.آ.د.ک) ارجاع می‌شود، در خصوص سؤال

مذکور مطابق ماده ۴۸۱ ق.آ.د.ک عمل می‌شود و هر دو حکم توسط دادگاه هم‌عرض صادرکننده حکم قطعی بررسی می‌شود و

حسب مورد دادگاه هر یک را که صحیح تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را نقض می‌کند و چنانچه هر دو رأی را غیرصحیح

تشخیص دهد پس از نقض هر دوی آنها، وفق مقررات رسیدگی می‌کند.

ماده ۴۸۱- اگر جهت اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد ← دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، هر یک را که صحیح

تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را نقض می‌کند و چنانچه هر دو رأی را غیرصحیح تشخیص دهد پس از

نقض آنها وفق مقررات رسیدگی می‌کند.

۲۱۸- «الف» با تابعیت ایرانی، در شهرضا در استان اصفهان، با پرداخت مبالغی، از یک گروه تروریستی مرزهای

غربی ایران حمایت مالی می‌کند. در پرونده دیگر، «ب» با تابعیت اردنی، در کشور قطر، با اقدامی مشابه، از

برنامه ریزی جهت اقدام تروریستی در شهر اهواز حمایت کرده و در زمان حضور وی در اصفهان دستگیر شده

است. دادگاه صالح، به ترتیب، جهت رسیدگی به اتهام «الف» و «ب» کدام است؟

(۱) انقلاب اصفهان- انقلاب اصفهان

(۲) انقلاب تهران- انقلاب تهران

۳) انقلاب اصفهان - انقلاب تهران

۴) کیفری یک اصفهان - کیفری یک تهران

گزینه ۴ صحیح است به استناد مواد ۱، ۹ و ۱۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

این سؤال از قانون خاص «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» طرح شده و به استناد مواد ۱ و ۱۲ قانون مذکور حمایت و کمک مالی اشخاص «الف» و «ب» تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود و طبق مواد ۹ و ۱۲ قانون مذکور رسیدگی به این جرم در صلاحیت ذاتی «**دادگاه کیفری یک**» می‌باشد (داوطلب با دانستن همین نکته در ابتدای امر می‌توانست گزینه صحیح یعنی گزینه ۴ را انتخاب نماید) و در خصوص صلاحیت محلی دادگاه کیفری یک

◀ در رسیدگی به جرم **اتباع ایران** (شخص «الف») با توجه به مقرر ماده ۹ قانون مذکور دادگاه کیفری یک **مرکز استان** (اصفهان) صالح به رسیدگی است.

◀ و در خصوص **اتباع خارجی** (شخص «ب» با تابعیت اردنی) با رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک **تهران** است.

۲۱۹- در پرونده اول، متهم در دفاع از خویش به موضوعی استناد کرد که رسیدگی به آن در صلاحیت هیئت

حل اختلاف کارگر و کارفرما است و در پرونده دیگری در مورد اتهام ترک انفاق، زوج مدعی عدم تحقق ازدواج

شده و زوجه وقوع عقد را مسلم دانسته. در این موارد باز پرس چه تصمیمی می‌گیرد؟

۱) در پرونده اول به رأساً تحقیق در خصوص موضوع و در پرونده دوم، صدور قرار اناطه

۲) در هر دو مورد صدور قرار اناطه

۳) در پرونده اول صدور قرار اناطه و در پرونده دوم، عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه خانواده

۴) در پرونده دوم، رأساً تحقیق در خصوص موضوع و در پرونده اول صدور قرار اناطه

گزینه ۲ صحیح است به استناد ماده ۲۱ ق.آ.د.ک

ماده ۲۱ ق.آ.د.ک در خصوص صدور قرار اناطه است و این سؤال مربوط به شرایط صدور قرار اناطه، مذکور در بند اول ماده ۲۱ می‌باشد.

بدین شرح که در دو پرونده مذکور در صورت سؤال مسائلی مطرح هست که **احراز مجرمیت متهم** منوط به اثبات و تعیین

تکلیف آنان است و در عین حال رسیدگی به این مسائل هم در صلاحیت مرجع کیفری نیست (همین کفایت برای صدور قرار

اناطه! زیرا برای صدور قرار اناطه نیازی نیست موضوع حتماً در صلاحیت دادگاه حقوقی باشد و می‌تواند در صلاحیت مراجع غیر دادگستری نظیر هیئت اختلاف کارگر و کارفرما باشد یا دادگاه خانواده باشد یعنی برای صدور قرار اناطه «صلاحیت دادگاه حقوقی» موضوعیت ندارد بلکه آنچه برای صدور قرار اناطه اهمیت دارد، عدم صلاحیت مرجع کیفری برای رسیدگی به آن موضوع است.

به عبارت دیگر در اناطه، صلاحیت «دادگاه حقوقی» موضوعیت ندارد، بلکه «عدم صلاحیت مرجع کیفری» برای رسیدگی به آن موضوع مهم است. پس اگر رسیدگی به موضوع مذکور به موجب قانون در صلاحیت مرجع غیرقضایی نظیر شورای حل اختلاف یا کمیسیون های ویژه هم باشد، باز مورد از موارد صدور قرار اناطه خواهد بود (نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری - خالقی - یادداشت ۱ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک) لازم به ذکر است که سازمان سنجش گزینه ۱ را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب کرده و در جایی که متهم در دفاع از خویش به موضوعی استناد کرده که رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما است را از مصادیق صدور قرار اناطه ندانسته که اشتباه می‌باشد و با توجه به توضیحات ارائه شده در هر دو مورد باید قرار اناطه صادر شود و گزینه ۲ صحیح است.

۲۲۰- در خصوص کدام جرم زیر، صدور قرار اناطه در حین تحقیقات مقدماتی، مطلقاً امکان پذیر نیست؟

(۱) اختلاس (۲) کلاهبرداری (۳) خیانت در امانت (۴) سرقت

گزینه ۴ صحیح است به استناد تبصره ۲ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک

تبصره ۲ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک استثنایی بر موارد صدور قرار اناطه (مسائلی که در رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست) را بیان کرده. به عبارت دیگر اگر برای احراز مجرمیت متهم نیاز به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، مرجع کیفری اصولاً باید قرار اناطه صادر کند ولی استثنائاً اگر این مسائلی که باید اثبات شوند و رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست منقول باشند، با استناد به نص صریح تبصره ۲ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک خود مرجع کیفری باید به مسائل مربوط به آنها نیز رسیدگی کند. یعنی در مورد اموال منقول

قرار مطلقاً قرار اناطه صادر نمی‌شود (خواسته‌ی سؤال)

حال برای پاسخگویی به سؤال مطروحه آن استثنا تشخیص داده شود؛

وقوع جرم **اختلاس، کلاهبرداری و خیانت در امانت** در خصوص اموال منقول و غیر منقول امکان پذیر است پس چون فقط در خصوص اموال منقول نیست، در برخی موارد صدور قرار اناطه امکان پذیر است. ولی در خصوص وقوع

جرم **سرقت** (ربودن مال غیر) فقط اموال منقول قابلیت ربایش و دزدیده شدن را دارند (در خصوص اموال غیر منقول مباحث غضب، دعاوی تصرف و ... قابل مطرح است) و اموال منقول هم استثنای مجوز صدور قرار اناطه می باشند. در نتیجه: در خصوص جرم سرقت مطلقاً صدور قرار اناطه امکان پذیر نمی باشد زیرا وقوع جرم سرقت فقط در خصوص اموال منقول قابل تصور است.

ماده ۲۱- هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می شود. در این صورت، هرگاه ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

تبصره ۱- در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف طبق ماده (۲۷۱) این قانون به عمل می آید.

تبصره ۲- اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند.

تبصره ۳- مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی شود.

۲۲۱- بازپرس با صدور قرار جلب به دادرسی به اتهام کلاهبرداری، پرونده را نزد دادستان ارسال نموده است.

دادستان با این استدلال که اتهام خیانت در امانت است، با قرار بازپرس مخالفت می کند. حکم قضیه چیست؟

(۱) پرونده با ذکر نظر بازپرس در کیفرخواست به دادگاه ارسال می شود و دادگاه در رسیدگی ماهوی، هر اتهامی را وارد دانست، مورد رسیدگی قرار می دهد.

(۲) اختلاف بین دادستان و بازپرس محقق بوده و حل آن با دادگاه کیفری دو است.

(۳) دادستان با تشخیص خود عنوان اتهامی را تعیین و کیفرخواست صادر می کند و بازپرس در این مورد، حق مخالفت یا اختلاف ندارد.

(۴) پرونده با قرار جلب به دادرسی بازپرس به دادگاه ارسال می شود و دادگاه با تشخیص عنوان صحیح اتهامی، پرونده را رسیدگی خواهد کرد.

گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک

در سوال مطروحه بین دادستان و بازپرس در «نوع جرم» اختلاف شده است که در این خصوص حل اختلاف با عنایت به ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند. (گزینه ۲)

ماده ۲۷۲- در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند.

۲۲۲- «الف» متهم به قتل غیر عمد ناشی از تصادف رانندگی است. بازپرس برای وی، قرار وثیقه به مبلغ سیصد میلیون تومان صادر می‌کند و وثیقه تودیع می‌شود. سپس متهم بیمه خود را ارائه داده که نشان از امکان وصول دیه از آن دارد و تقاضای تخفیف قرار وثیقه را می‌کند. در صورتی که نظر بازپرس بر عدم تخفیف باشد، آیا این امر قابل اعتراض است؟ در کدام مرجع؟

(۱) خیر، مگر دادگاه انتظامی قضات، وی را به دلیل صدور قرار نامتناسب محکوم کند که در آن صورت، قابل اعتراض در دادگاه کیفری دو است.

(۲) خیر

(۳) بلی، در دادگاه کیفری دو

(۴) بلی، در دادگاه کیفری یک

گزینه ۲ صحیح است. به استناد تبصره ۳ ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک

خواسته سؤال امکان یا عدم امکان اعتراض به نظر بازپرس در خصوص تبدیل قرار تامین است (تشدید یا تخفیف قرار تامین اعم است از تبدیل نوع قرار یا تعبیر مبلغ آن- تبصره ماده ۲۴۳ ق.آ.د.ک)

در جرائم غیر عمدی، در صورتی که به تشخیص مقام قضایی (این مقرر نشان دهنده اختیار مقام قضایی است) تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست (در این مقرر فقط گفته جایز نیست و هیچ حق اعتراضی برای متقاضی پیش‌بینی نشده است) ⇨ در این خصوص نظر بازپرس قابل

اعتراض نیست)

تبصره ۳ ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک: در جرایم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

۲۲۳- «الف» متهم به قتل عمد بوده است. پس از انجام تحقیقات در دادگاه حوزه قضایی بخش، این دادگاه به

علت فقدان ادله کافی قرار منع تعقیب صادر می‌کند و بدون اعتراض شاکی، قرار صادره قطعی می‌شود، در

صورتی که به دلیل جدیدی کشف شود، چه کسی اجازه تعقیب مجدد را می‌تواند صادر کند؟

(۱) دادستان شهرستان مربوطه

(۲) دادرس حوزه قضایی بخش، در صورتی که رئیس حوزه قضایی مبادرت به صدور قرار کرده باشند.

(۳) رئیس حوزه قضایی بخش، در صورتی که دادرس حوزه قضایی قرار را صادر کرده باشد.

(۴) رئیس یا دادرس حوزه قضایی بخش که قرار را صادر کرده است.

گزینه ۱ صحیح است به استناد ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک

با توجه به اینکه جرم مطروحه در صورت سؤال از جرائم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک است و در حوزه قضایی بخش به

وقوع پیوسته، مصداق ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک می‌باشد. در این خصوص رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت

نظارت دادستان شهرستان مربوطه، انجام وظیفه می‌نماید. در نتیجه در خصوص جرم قتل عمدی که در حوزه

قضایی بخش ارتکاب یافته و قرار منع تعقیب توسط رئیس دادگاه بخش صادر و قطعی نیز شده، نمی‌توان بار دیگر

متهم را به همان اتهام تعقیب کرد مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت با اجازه دادستان شهرستان مربوطه

برای یک‌بار قابل تعقیب است (ملاک مواد ۲۷۸ و ۳۳۷ ق.آ.د.ک)

ماده ۲۷۸- هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر

متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی

شود ⇨ نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این

صورت، با نظر دادستان (بدلیل این که جرم از جرائم موضوع ماده ۳۰۲ است و در حوزه قضایی بخش به وقوع

پیوسته ⇨ دادستان شهرستان مربوط - ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک) برای یک‌بار قابل تعقیب است و اگر این قرار در

دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک‌بار با اجازه دادگاه صالح

برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

ماده ۳۳۷- در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، رییس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رییس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

۲۲۴- دستور منع خروج از کشور صادره توسط دادگاه بخش برای متهمی که به او دسترسی حاصل نشده ظرف

چه مهلت و در کدام مرجع قابل اعتراض است؟

(۱) ده روز- دادگاه کیفری دو

(۲) بیست روز- دادگاه تجدیدنظر استان

(۳) این دستور قابل اعتراض نیست.

(۴) بیست روز- دادگاه کیفری دو

گزینه ۳ صحیح است. به استناد مواد ۱۸۸ و ۲۴۷ ق.آ.د.ک

ممنوع الخروج ساختن متهم در دو حالت امکان پذیر است.

۴- **قبل از دسترسی به متهم** (ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک): که چنین تصمیمی به‌موجب ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک «دستور»

نامیده شده قرار به منظور تسهیل امکان دستیابی به متهم است؛ دستور منع خروج متهم از کشور به متهم ابلاغ نمی‌شود و قابلیت اعتراض هم برای آن پیش‌بینی نشده است.

۲- **بعد از دسترسی به متهم** (بند «ث» ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک): در قالب «قرار نظارت قضایی» و به‌منظور حفظ

دسترسی به متهم قابلیت اصدار دارد و به استناد تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

با توجه به توضیحات ارائه شده این سؤال مصداق مورد اول توضیحات می‌باشد و دستور منع خروج از کشور قابلیت اعتراض ندارد.

ماده ۱۸۸- تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده ← بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش‌ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه‌خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.

ماده ۲۴۷- بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

ب - منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی

ت - ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

ث - ممنوعیت خروج از کشور

تبصره ۱- در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.

تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

۲۲۵- پرونده ای در خصوص جرائم رایانه ای، به شعبه بازپرسی ارجاع شده است. در صورتی که پس از ارجاع،

دادسرای تخصصی در آن حوزه برای رسیدگی به آن جرائم ایجاد شود، بازپرس چه وظیفه ای دارد؟

(۱) با توجه به اجرای فوری قوانین دادرسی، راساً مبادرت به ارسال پرونده به دادسرای تخصصی کند، مگر آنکه به شکل دیگر مقرر شده باشد.

(۲) به رسیدگی ادامه دهد.

(۳) پرونده را به نظر دادستان رسانده و در صورت ارجاع مجدد رسیدگی کند.

۴) در صورت اعلام دادستان مبنی بر ارسال پرونده به دادسرای تخصصی، اقدام به ارسال پرونده کند.

گزینه ۲ صحیح است به استناد ۳۳۹ ق.آ.د.ک

با توجه به صدور ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک و تبصره ۱ آن ماده، «پس از ارجاع» پرونده به شعب بازپرسی نمی‌توان آن را از شعب بازپرسی اخذ و به شعبه دیگر (مانند شعب تخصصی که پس از ارجاع پرونده ایجاد شوند) ارجاع داد، در نتیجه پرونده از شعبه خارج نمی‌شود و بازپرس به رسیدگی ادامه می‌دهد.

ماده ۳۳۹- پس از ارجاع پرونده ← نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد.

تبصره ۱- رعایت مفاد این ماده در مورد شعب بازپرسی، دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور نیز الزامی است.

تبصره ۲- تخلف از مقررات این ماده، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۲۲۶- «الف» متهم به ایراد صدمه بدنی عمدی مستوجب دیه است. برای وی قرار وثیقه صادر می‌گردد. ولی

پیش از سررسید زمان پرداخت دیه، حکم صادر می‌گردد. وثیقه صادره چه وضعیتی می‌یابد؟

۱) به اعتبار خود باقی است ولی قاضی اجرای احکام در صورت عدم تناسب، با اطلاع دادگاه صادرکننده حکم، ملزم به تخفیف آن است.

۲) به اعتبار خود باقی است.

۳) به دلیل عدم حلول موعد پرداخت، ملغی می‌شود.

۴) قاضی اجرای احکام، با تأیید دادستان، ملزم به تبدیل یا تخفیف قرار است.

گزینه ۲ صحیح است.

با توجه به اینکه صدور قرار وثیقه به‌نوعی تضمین پرداخت دیه بوده، متهم پس از پرداخت دیه می‌تواند آزادی وثیقه خود را درخواست نماید به عبارت دیگر پیش از سررسید زمان پرداخت دیه و تعیین تکلیف آن، قرار وثیقه به اعتبار خود باقی است.

۲۲۷- «الف» دارای تابعیت دوگانه ایرانی و فرانسوی است که در عراق، به اعتقاد مهدورالدم بودن، مبادرت به قتل مشاور وزیر می کند «الف» پس از بازگشت به ایران، در حوزه قضایی بخش «د» دستگیر می شود. حوزه قضایی بخش «د» در محدوده شهرستانی است که فاقد دادگاه کیفری یک و انقلاب است. دادگاه صالح برای محاکمه وی، کدام است؟

۱) نزدیک ترین دادگاه کیفری یک به حوزه قضایی بخش «د» در آن استان

۲) دادگاه انقلاب تهران

۳) دادگاه کیفری یک تهران

۴) دادگاه انقلاب مرکز استان محل دستگیری

گزینه ۱ صحیح است به استناد مواد ۳۰۲، ۳۱۶ و تبصره یک ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک

مبادرت به قتل یعنی همان **قتل عمد** به استناد ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری یک می باشد (یعنی گزینه ۲ و ۴ غلط می باشند) و با توجه به اینکه متهم تابعیت ایرانی نیز دارد و از اتباع ایران محسوب می شود و خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران نیز مرتکب جرم گردیده لذا مورد مصداق ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک می باشد و صلاحیت محلی دادگاه نیز به موجب همین ماده تعیین می گردد. (دادگاه محل دستگیری)

در نتیجه **دادگاه کیفری یک محل دستگیری** صلاحیت رسیدگی به این اتهام را دارد ولی صورت سؤال گفته در محل دستگیری (حوزه قضایی بخش «د») دادگاه کیفری یک تشکیل نشده که این مسئله نیز با تبصره یک ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک قابل حل است، بدین صورت که تبصره بیان داشته: در حوزه هایی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده (مانند مورد مذکور، در حوزه قضایی بخش «د»)، به جرایم موضوع صلاحیت آن در **نزدیک ترین دادگاه**

کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می شود در نتیجه بین دو گزینه ۱ و ۳، گزینه ۱، گزینه صحیح می باشد.

ماده ۲۹۶- دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رییس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲-

تبصره ۳-

ماده ۳۱۶- به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، ← حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه ← باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

۲۲۸- بازپرس در تصمیم درباره شخصی که با اسلحه غیرمجاز خودکشی کرده و ورثه وی نیز از کسی شکایت ندارند، چه تصمیمی باید نسبت به جرم نگهداری اسلحه غیرمجاز اتخاذ کند؟

- ۱) قرار منع تعقیب صادر و پرونده را جهت تعیین تکلیف ضبط اسلحه به دادگاه ارسال کند.
- ۲) قرار منع تعقیب و دستور ضبط اسلحه و تحویل آن به وزارت دفاع را صادر کند.
- ۳) قرار موقوفی تعقیب و دستور ضبط اسلحه و تحویل آن به وزارت دفاع را صادر کند.
- ۴) قرار موقوفی تعقیب صادر و پرونده را جهت تعیین تکلیف ضبط اسلحه به دادگاه ارسال کند.

گزینه ۴ صحیح است به استناد مواد ۱۴۸ و ۲۶۵ ق.آ.د.ک

بهترین روش پاسخ‌گویی به این سؤال مانند سؤال پیشین و سؤال ۲۱۸، **روش حذف گزینه** می‌باشد؛ بدین صورت که می‌دانیم به استناد ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب فقط در دو مورد صادر می‌شود:

۴- در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی (با توجه به اینکه نگهداری اسلحه غیرمجاز، جرم‌انگاری شده است)

۲- فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم (عبارت «شخصی با اسلحه غیر مجاز خودکشی کرده»: انتساب

جرم به متهم نیز محرز است)

پس در خصوص مورد سؤال نمی توان قرار منع تعقیب صادر کرد و گزینه ۱ و ۲ پاسخ مورد نظر نمی باشند.
و نیز می دانیم در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب، در خصوص ضبط اشیایی که حین ارتکاب جرم استعمال شده
دادگاه تعیین تکلیف می کند (بند دوم ماده ۱۴۸ ق.آ.د.ک)

در نتیجه گزینه ۳ هم غلط است در نتیجه گزینه ۴ پاسخ صحیح می باشد.

ماده ۱۴۸- بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درباره استرداد و یا معدوم کردن اشیاء و اموال
مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده
شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیاء دادگاه تکلیف آنها را تعیین می کند. ...

ماده ۲۶۵- بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در
صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده
را فوری نزد دادستان ارسال می کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور
کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق
مقررات فوق اقدام می شود.

۲۲۹- پسر ۱۷ ساله‌ای با معاونت فردی ۲۵ ساله، مرتکب قتل عمدی می‌شود. رسیدگی به اتهام آنها، در صلاحیت

چه دادگاه(هایی) است؟

- (۱) هر دو در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان
- (۲) پسر ۱۷ ساله، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان و فرد ۲۵ ساله، سایر شعب دادگاه کیفری یک
- (۳) هر دو در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان
- (۴) پسر ۱۷ ساله، دادگاه اطفال و نوجوانان و فرد ۲۵ ساله، دادگاه کیفری دو

گزینه ۳ صحیح است به استناد مواد ۳۰۲، ۳۱۱ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک

در مورد سوال مطروحه مباشر جرم قتل عمد ⇐ پسری ۱۷ ساله می‌باشد و معاون جرم ⇐ فردی ۲۵ ساله بالغ
می‌باشد.

با یادآوری این نکته که سن بلوغ در پسران، \Leftarrow ۱۵ سال تمام قمری است (تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) لذا

مباشر مادی جرم (متهم اصلی) فردی بالغ زیر ۱۸ سال است که مرتکب جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک

شده است (ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک) در نتیجه به استناد ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت «دادگاه

کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» است لذا ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک بیان داشته معاون جرم نیز در همان

دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اتهام اصلی را دارد محاکمه خواهد شد یعنی هر دو در دادگاه کیفری یک ویژه

رسیدگی به جرائم نوجوانان محاکمه خواهند شد.

ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که \Leftarrow صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم

اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره - هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور

در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان

رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت

نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۱۵- جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی

می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی

به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه

رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب،

مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک

ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است.

۲۳۰- تشکیل پرونده شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان، در جرائم تعزیری چه حکمی دارد؟

(۱) در جرائم درجه یک یا چهار، اجباری و پایین تر از درجه چهار، اختیاری است.

۲) در مطلق جرائم، الزامی است.

۳) در تمامی جرائم تعزیری، اختیاری است.

۴) در جرائم تعزیری درجه یک تا شش، الزامی است.

گزینه ۴ صحیح است به استناد مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ ق.آ.د.ک

با توجه به ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک: اگر افراد اعم از اطفال و نوجوانان مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا چهار شوند، تشکیل پرونده شخصیت در خصوص آنها الزامیست ولی قانون گذار در ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک مقرر داشته اگر مرتکب جرائم تعزیری پنج یا شش، طفل یا نوجوان بود، برای آن طفل یا نوجوانی که مرتکب جرائم تعزیری پنج یا شش شده نیز باید پرونده شخصیت تشکیل داد. به دیگر سخن:

◀ **در جرایم تعزیری پنج و شش** ← فقط در خصوص **اطفال و نوجوانان** پرونده شخصیت تشکیل می شود.

◀ و در مورد **اطفال و نوجوانان** ← پرونده شخصیت در خصوص جرایم تعزیری **یک تا شش** تشکیل می شود.

در مورد جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان:

۱-۴ ← ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک

۵-۶ ← ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک

با کمال سپاس

احسان حبیبی دهکردی

Ehsan.h.dehkordi@gmail.com

مؤلف کتب مختصر و تست آیین دادرسی کیفری

مدرس دانشگاه

→ [برای عضویت در کانال تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای عضویت در خبررسان تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اختبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اختبار عضو شوید](#) ←